

جلسه اول: ۸۵/۲/۱۰

منابع حقوق تجارت:

۱- قوانین تجاری: ۱. اصلی: قانون تجارت ۲. فرعی: هر چیزی غیر از قانون تجارت که با قوانین

تجاری در ارتباط هستند (آیین نامه ی ثبت شرکتی - قانون ثبت اختراعات)

۲- قوانین مدنی: آراء دیوان عالی کشور است (وقتی دو دادگاه در بحث امور تجاری، قانونی را

صادر کنند. رفعش با آراء دیوان عالی کشور است)

۳- رسوم و عادات و عرف تجاری که قانون تجارت آن را رفع نمی کند

۴- رسوم و عادات متداول بین بازرگانان که قوت قانونی دارند یعنی در صورت فقدان قانون مورد

حمایت می باشند.

۵- پیمان های بین المللی مثل عهدنامه هایی که دولت ایران به آنها پیوسته است.

تجارت در اسلام:

۱- آیات (تجاره عن تراض): تجارت از روی رضایت

۲- روایات

۳- احکام اسلامی (فرق بیع و ربا) تجارت در ربا طوری صورت می گیرد که فشار اقتصادی به یکی

طرف وارد می شود و ربا به دو جنسی که با کیل و وزن معامله می شوند تبادل گردد و یکی از

دیگری بیشتر باشد گویند اما بیع خرید و فروش از روی رضایت می باشد.

۴- آداب تجارت در اسلام مثلاً به احکام تجارت آگاه باشد یا از مومنین سود نگیرد و ...

۵- مکاسب محرمه : چیزی که خرید و فروش آن حرام باشد.

حقوق: جمع حق است و حق یعنی امتیازات و توانایی های قانونی فرد در اجتماع را حقوق می

گویند مثل حق مالکیت ، حق دفاع، حق آزادی

جایگاه حقوق تجارت:

۱- حقوق خارجی یا بین المللی : مجموعه قواعدی که مورد پذیرش کشورهای جهان قرار می گیرد

۲- حقوق داخلی: که محدود به سرزمین و منطقه جغرافیایی کشور مورد نظر است که فقط در همان

منطقه برای همان منطقه جغرافیایی ارزش و اعتبار دارد.

حقوق داخلی: عمومی - خصوصی

عمومی: قواعدی است که ارتباط بین دولت و مردم است

خصوصی: قواعدی که مربوط به روابط بین افراد با یکدیگر است.

و جایگاه حقوق تجارت از نوع داخلی خصوصی است.

تعریف حقوق تجارت:

دانستن حقوق و تکالیف بازرگانی و علم به اصول و قواعد و قوانینی که روابط معاملاتی بازرگانان

و اعمال تجاری را تنظیم می کند.

مبدأ حقوق تجارت:

۱. کلی (بین المللی)

۲. داخلی (ایران): قبل مشروطه: بیشتر جنبه فقهی دارد. بعد از مشروطه: در سال ۱۳۰۴-۱۳۰۳

قانونی نوشتند - دوباره در سال ۱۳۱۱ قانون تجارت جدید نوشته شد و قانون قبلی در آن

مواردی که با قانون جدید تفاوت دارد نسخ شد.

نکته: فرق طرح و لایحه

اگر پیشنهاد دهنده یک قانون خود نمایندگان باشد طرح و اگر دولت باشد لایحه می باشد.

جلسه دوم ۷۸۵/۱۱

واژه تعریف تاجر: کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار می دهد.

ماده ۲ معاملات تجاری: ۱- ذاتا تجاری ۲- غیر ذاتی یعنی به اعتبار تاجر بودن طرفین یا یکی از آنها

تجاری هستند و این در ماده ۳ بحث خواهد شد.

سوال: چه معاملاتی ذاتا تجاری هستند؟

الف - خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از این که تصرفاتی در آن

شده باشد یا نشده باشد.

خرید: پرداخت پول در برابر کالا تحصیل: بدست آوردن کالا از هر طریق مثلا هدیه گرفتن، ارث

گرفتن

مال: ۱- منقول ۲- غیر منقول

منقول: مالی است که قابلیت نقل و انتقال از یک مکان به مکان دیگر را دارد بدون آنکه لطمه ای به

آن وارد شود (تعریف مدنی)

غیرمنقول: نقل و انتقالش ممکن نیست مثل زمین، خانه و اگر بخواهیم انتقالشان بدهیم خراب می شود مثل خانه و کسی که خانه یا زمین را بخرد به آن تاجر نمی گویند چون معاملات غیرمنقول، تجاری نیست.

تصرفاتی در آن شده باشد یا نشده باشد: اگر در آن شده باشد مثل پارچه را می خرید و لباس می کنند و می فروشند و اگر تصرفی نشده باشد جنس را همان طور که خریده می فروشند.

سوال: آیا کسبه جزء هم تاجر هستند یا نه؟ ۲ پاسخ داده شده: هستن، نیستن ولی به هر حال از داشتن دفاتر معافند.

دلیل کسانی که می گویند هستن چون بند الف شاملشان می شود اما تعریف وزارت دادگستری

درباره کسب _____

کسبه جزء چیست؟ کسانی هستند که مطابق عرف تجارت اطلاق تاجر به آنها نمی شود و اگر داخل یکی از طبقات زیر باشند کسبه جز و از داشتن دفتر معاف هستند: ۱- کسانی که فروش

سالیانه آنها از ۱۲۰ هزار ریال (۱۲ هزار تومان) تجاوز

۲- شوfer، گاری چی و به طور کلی (حمل و نقل) از هر قبیل ۳- متصدیان حمل و نقل اگر دست

رنج آنها متجاوز از هزار ریال نباشد و داخل طبقه دوم هم نباشند مثل راننده کامیون

(راننده ی کامیون را کارگر می گویند نه تاجر چون از قدرت و بازوی خودش استفاده کرده و

جزء کسانی است که مطابق عرف تجارت اطلاق تاجر به آنها نمی شود)

ب - تصدی بر حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا بر هر نحوی که باشد مثل آژانس نه کارگرهای آژانس تصدی از استمرار و دوام می آید و کسی که کارش و شغلش این است و کسی که اتفاقی حمل و نقل می کند به آن تاجر نمی گویند.

ج - هر قسم عملیات دلالی یا حق العملکاری (کمیسیون) و یا عاملی (کارگری) و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی از امور انجام می شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رساندن ملزومات و غیره

دلال کسی که فقط واسطه خرید و فروش است و خودش نه خریدار است و نه فروشنده حال چه مال منقول را دلالی کند و چه مال غیرمنقول مثل بنگاه معاملاتی منزل اتومبیل پس اگر خانه هم معامله شود عمل آن تجاری است و

حق العملکاری: خرید یا فروش برای دیگران است و یک طرف معامله را خودش انجام می دهد به عبارتی به اسم خود و به حساب دیگری معامله می کند. (عمل کار خودش را به عنوان فروشنده معرفی می کند)

عامل فردی به نمایندگی از بازرگان امور او را از قبیل ترخیص کالا از گمرک به عهده می گیرد.

تأسیساتی که برای انجام بعضی از امور انجام می شود بستگی به نیاز جامعه دارد مثل رشد جمعیت دانشجویان بیکار مثل موسسات کاریابی افرادی که کارشان این است.

نکته: دوره گردهایی که از عملشان ارتزاق می کنند تاجر نیستند.

د- تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد (

کارخانه دستی یا ماشینی باشد فرق نمی کند این که مواد اولیه از خودش است یا دگری)

ه - تصدی به عملیات حراجی (فروش به بالاترین قیمت) مزایده

و- تصدی به هر قسم نمایشگاههای عمومی : هنری (سینما) - صنعتی (اتومبیل)

ز- هر قسم علمیات صرافی و بانکی

صراف کسی است که شغلش تبدیل وجوه و نقود رایج و متفاوت و یا اوراق بهادار به یکدیگر مثلاً

خرید و فروش ارز و تبدیل آن به یورو و یا تبدیل یورو به دلار و غیره

بانک موسسه ی که عملیات صرافی به نحو کامل و وسیع در آن اجرا می شود ضمن اینکه امور

دیگری را نیز از قبیل پرداخت وام و غیره برعهده دارد.

ح - معاملات برواتی اعم از این که بین تاجر یا غیر تاجر باشد (ماده ۲۲۳ قانون تجارت)

برات: حواله ایست که خطاب بر شخص معینی صادر می شود (براتگیر) تا مبلغ معینی را در زمان و

مکان معینی در وجه ثابت (دارنده برات) یا به حواله کرد او پردازد (برات یکی از اسناد تجاری

است و معمولاً براتگیر از براتگیر طلب کار است و به دارنده ی برات بدهکار است).

ط - عملیات بیمه عربی و غیر عربی (در عملیات بیمه عنصر سودجویی وجود دارد)

عملیات بیمه عربی در صورت غرق شدن و یا آبگرفتگی و غیرعربی در صورت آتش سوزی

بیمه: شخص یا موسسه ی در قبال وجهی که می گیرد جباران خسارات اعمال معینی را تا حد معینی

برعهده می گیرد و اینکار به قصد انتفاع می باشد لذا اگر فردی از روی ترحم ، مبلغی را از دیگری

بگیرد تا خسارات او را جبران کند این عمل بیمه نیست لذا تجاری هم نیست) و قرارداد بیمه بین

بیمه گیر بیمه گزار

ی - گشتی سازی، خرید و فروش گشتی، کشتیرانی داخلی (در محدودی آب های داخلی) یا

خارجی (در محدودی آبهای بین المللی)

و معاملات راجع به آن ها مثل رهن یا وثیقه که در واقع تضمینی در برابر دین (رهن کشتی)

معاملات بورس

تحلیل ۱۰ مورد کار اصلی یک حقوق دان این است که بتواند اقتضائات زمان خودش را با توجه به

مفاهیم قدیمی تر نزدیک کند.

معاملات بورس: تجاری (کاملا معامله می شود) - اوراق بهادار (سهام شرکت ها)

معاملات بورس قطعا تجاری هستند و به صورت عمده و مدت دار صورت می گیرد و کالا تحویل

داده نمی شود و خریدار امید دارد که قیمت کالا بالا رود.

جلسه سوم

فرق ماده ۲ و ۳ را بنویسید؟ در این است که اگر کسی معاملات مزبور در ماده ۲ را انجام دهد و

شغل خود را آن معاملات قرار دهد تاجر می باشد و عمل آن یک معامله تجاری می باشد اما ماده ۳

بر اعتبار تاجر بود متعاملین یا یکی از آنها تجاری محسوب می شود.

ماده ۳: معاملات ذیل بر اعتبار تاجر بودن متعاملین (خریدار و فروشنده) یا یکی از آنها تجاری

محسوب می شود البته با ۲ شرط که عبارتند از: ۱- برای رفع حوائج شخصی نباشد ۲- مربوط به

اموال غیر منقول نباشد

۱- کلیه معاملات بین تجار و کسبه و صرافان و بانک ها مثلا ممکن است تاجر پارچه با تاجر چوب

قراردادی ببندد که برایش ویتترین بسازد این معامله که برای رفع حوائج شخصی نیست و مربوط

به اموال غیر منقول هم نیست اما اگر همین ویتترین برای منزل باشد تجاری نیست.

۲- کلیه معاملاتی که تاجر با غیر تاجر برای حوائج تجاری خود انجام می دهد مثلا تاجر پارچه با

یک نجار معمولی قرارداد می بندد و این معامله ، معامله تجاری است.

۳- کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجاری (نه امور شخصی) ارباب

خود انجام می دهند.

۴- کلیه معاملات (منقول) شرکتهای تجاری (۱- سهامی خاص و عام ۲- با مسئولیت محدود ۳-

تضامنی)

معاملات می توانند معاملات مال منقول و غیر منقول باشد ولی با توجه تصریح در ماده ۴ همان مال

منقول است و شرکتهای تجاری عبارتند از: ۱- سهامی ۲- با مسئولیت محدود ۳- تضامنی است و

فقط بین شرکتهای تجاری

شرکتهای سهامی بخاطر توسعه ای که داند می توانند معاملات غیر منقول انجام دهند و استثناء اند

تجاری است

ماده ۴ معاملات غیرمنقول به هیچ وجه تجاری محسوب نمی شود حتی اگر برای حوائج تجاری باشد.

(این اهمیت خاصی است که قانون گذار برای ملک و املاک قائل می شود یعنی خواسته است

معاملات غیرمنقول تحت قانون ثبت اسناد و املاک باشد نه قانون تجارت ضمن اینکه قانون تجارت

دنبال سرعت است و ثبت و استعمال در مورد معاملات غیرمنقول با این اصل (سرعت) سازگار نیست.

ماده ۵ کلیه معاملات تحار، تجاری محسوب است مگر ثابت شود معامله مربوط به امور تجاری

نیست (این ماده برای جلوگیری از اختلافات و شانه خالی کردنهای تجار می باشد که اثبات عدم

تجاری را برعهده آنها گذاشته است)

نکته ۶: لازم نیست تجارت شغل اصلی فرد باشد اما تکرار نیاز دارد (دوام می خواهد) لذا اگر

فردی کارمند است اما بعد از ظهرها امور تجاری انجام می دهد، تاجر است.

نکته ۲: مقررات قانون مدنی در مورد تاجر لازم الرعایه است مانند عدم جنون یا حجر و منعی نباشد

لذا اگر مجنون، شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار دهند تاجر نیستند جنون: دائمی (کلا

مرخص) موقتی (ادواری)

حجر: مثل ورشکسته یا صغیر و....

الزومات تاجر

محسنات تجاری (دفاتر تجاری به چه دلیل لازم است):

۱- راحتی کار تاجر تا بتواند طلب کاریها و بدهکاریها و سایر موارد را تشخیص دهد

۲- حمایت از سایر تجار در صورت ورشکستگی تاجر که از طریق رجوع به این دفاتر است

۳- احتساب مالیات با رجوع به دفاتر

ماده ۶:

هر تاجری به استثنای کسبه جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه

(دادگستری) به موجب نظامنامه قائم مقام این دفاتر قرار می دهد داشته باشد ۱- دفتر روزنامه ۲-

دفتر وکیل ۳- دفتر دارایی ۴- دفتر ک

ماده ۷ (دفتر روزنامه): دفتری است که تاجر باید همه روزه مطالبات و دیون (طلب کاری و

بدهکاری) و داد و ستد تجاری و معاملات راجع به اوراق تجاری (از قبیل خرید و فروش و ظهر

نویسی (پشت نویسی) و به طور کلی جمیع واردات و صادرات تجاری خود را به اسم و رسمی که

باشد و جوهری را که برای مخارج شخصی خود برداشت می کند در آن دفتر ثبت نماید (دفتر

روزنامه دو ستون دارد بدهکاری و بستانکاری که در هر روز باید پر شود)

ماده ۸ (دفتر کل): دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را لااقل هفته یک مرتبه از دفتر روزنامه

استخراج و انواع مختلفه آن مثلا (طلبکاریها را جدا کرده در یک جا بنویسد همینطور بدهکاریها و

اسناد و غیره را) تشخیص و جدا کرده و هر نوع را در صفحه خصوصی در آن دفتر بطور خلاصه

ثبت کند.

ماده ۹ (دفتر دارایی): دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارایی منقول و غیر منقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز ترتیب داده در آن دفتر ثبت و امضاء نماید و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد (علت امضاء کردن به این دلیل است که مطالبات این دفتر سندیت دارد و از دفاتر گوناگون استخراج می شود لذا باید به تایید تاجر برسد)

ماده ۱۰ (دفتر ک): دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حساب های صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت کند (در این فقط یادداشت می شود)

تبصره ماده ۱۰: تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای وارده را نیز به ترتیب تاریخ ورود مرتب نموده و در مخصوصی ضبط کند (در این لفاف عین مراسلات و مخابرات به ترتیب تاریخ قرار داده می شود)

نکته: غیر از این موارد (دفاتر) بقیه دفاتر اختیاریست و تاجر در داشتن و نداشتن آنها است مانند دفتر صندوق که ورودی و خروجی صندوق در آن ثبت می شود و غیره.

جلسه چهارم ۸۵/۷/۲۴

ماده ۱۱ دفاتر مذکور در ماده ۶ به استثناء دفتر کپیبه قبل از آنکه (به صفحه ۲۰ قانون تجارت مراجعه شود)

توضیحات: در تهران به دفتر ثبت شرکتها مراجعه می نمایند و در سایر شهرها باید به اداره ثبت مراجعه نمایند که این ماده برای سایر شهرها می باشد.

نمره ترتیبی: سعی صفحات دارای شماره و به ترتیب نوشته می شوند.

برای امضاء حق امضاء می گیرند هر ۱۰۰ برگ ۲ ریال می گیرند و مثلاً ۲۳۵ برگ باشد ۶ ریال

دریافت می کند از ۲۰۱ تا ۳۰۰ هرچه مابین باشد ۱۰۰ حساب می شود (ماده ۱۳۵ در مورد حق

الضمه می باشد)

ماده ۱۲ دفتری که برای امضاء به متصدی (امور دفتر را برعهده می گیرد یا مسئل امضاء

تسلیم می شود مراجعه که

قیطان: در حقیقت منگوله ی که به سندها وصل می شود و به عبارت دیگر یک نخ داخل سندها

است که قیطان را از داخل سوراخ ها رد می کند

یک قاعده موجود است: و آن اینکه هر جا تعارضی بین عدد و حروف پیش بیاید اعتبار با حروف

است چون احتمال اشتباه در حروف کمتر از عدد است.

ماده ۱۳: تخلفات مذکور ماده ۱۳ برای تاجر که نباید آن را انجام دهد عبارتند از کلیه معاملات و

صادرات و واردات در دفاتر به متن صفحه ۲۰ قانون تجارت مراجعه نمایید اما اشاره ای ، تمام

معاملات با تاریخ ثبت می شوند و تخلفات در کتاب آمده و این دفاتر تا ۱۰ سال نگه داری می

شوند.

ماده ۱۴ شرایط سندیت دفاتر تجاری که در ماده ۱۴ ذکر شده است

۱- مطابق مقررات قانون تجارت و مخروش نباشد

۲- دعوا و اختلاف بین دو تاجر باشد لذا به موجب ماده ۱۲۹۸ ق. م دفاتر تاجر بر علیه غیر تاجر

سندیت ندارد فقط جزء امارات قضایی و بسته به نظر قاضی می باشد.

۳- دعوا و اختلاف ناشی از معاملات تجاری باشد به عبارتی اختلاف دو تاجر در امور تجاری باشد

نه سایر موارد

امارات: نشانه ها، امارات قضایی دست قاضی را در رسیدن به حکم اصلی باز می گذارد.

این مورد اگر رعایت شود بعد می توان به آن استناد کرد در غیر این صورت فقط بر علیه صاحب آن

معتبر است قانون ۳۰۰

ابزار دفاتر در دادگاه:

اگر یکی از طرفین به دفتر بازرگانی طرف دیگر استناد کند این دفاتر طبق قانون آئین دادرسی

مدنی در دادگاه ابراز خواهد شد و اگر طرف مقابل از ابراز آن امتناع ورزد این مورد از ادله مثبت به

نفع طرف دیگر محسوب می گردد.

یکی از قوانین کشور ما قانون آئین دادرسی مدنی است که در آن قواعد شکلی دادرسی و طرح

شکایت، آمده است.

ماده ۱۵ (هر قانونی باید ضمانت اجرا داشته باشد) که این ماده ضمانت اجرای عدم رعایت مواد ۶ و

۱۱ است

برای شناسایی تاجرها در کشور می باشد که این افراد باید اسمشان را در دفتر ثبت تجاری بنویسند.

نکته ۱: کسانی که به شغل تجارت اشتغال دارند باید نام خود را در دفتر ثبت تجاری به ثبت برسانند اینکار برای صدور کارت بازرگانی ضرورت دارد همین طور برای اشخاص ثابت تا بدانند تاجر چه سرمایه ای دارد و علامت تجاری (مثلاگپ مپ) او چیست؟ توجه ماده ۱۵ را در متن صفحه ۲۱ قانون تجارت مطالعه بفرماید.

نکته ۲: نحوه ی ثبت : تاجر با مراجعه به اداره ثبت (شهرستان ها) و به اداره ثبت شرکت ها (در تهران) سرنسخه اظهار نامه دریافت و آن را پر می کند مسئول دفتر نیز مفاد آن را ظرف ۱۰ روز در دفتر ثبت می کند و یک نسخه آن را به خود تاجر می دهد و ۲ نسخه دیگر نیز یک نسخه به وزارت بازرگانی و دیگری در دفتر ثبت تجاری باقی می ماند.

نکته ۳: مواردی که باید در این اوراق ذکر شود عبارتند از مشخصات کلی شامل نام ، نام خانوادگی، شماره شناسنامه، محل صدور و تابعیت (تعلق فرد به یک سرزمین خاص با دو ملاک خون یا سرزمین) تاجر همچنین تاریخ اشتغال به تجارت ، نوع تجارت (واردات ، صادرات)، جنس کالا یا کالاهای موضوع تجارت و رشته تجارت (داخلی یا خارجی) ذکر می گردد همچنین اگر تاجر خارجی است تاریخ ورود و شماره و محل صدور پروانه اقامت نیز قید می گردد.

نام تجاری: که مصرف کننده وقتی می خواهد کالا را انتخاب بکند بداند که مال کدام شرکت است.

علامت تجاری: هر شکل و نشان ، عدد و غیره که انحصاری است و دیگران نتوانند استفاده کنند.

نام تجارتي: نام يا عنواني است كه تاجر تحت آن تجارت مي كند و براي صاحب آن حق استفاده مي آورد و ديگري نمي تواند آن را انتخاب كند البته ثبت نام تجارتي اجتناب از مگر مواردی كه وزارت دادگستري آن را اجباري اعلام نمايد (ماده ۵۷۶ به بعد تا ۵۸۲)

علامت تجارتي: هر قسم علامت از قبيل نقش ، تصوير، رقم ، حرف ، عبارت و غيره است براي تشخيص محصول تجارتي يا فلاحتي خاصي انتخاب مي شود و مخصوص خود فرد است لذا اين علامت بايد طوري باشد كه بتوان انحصار را از آن فهميد مثل علامت خرگوش بر روي محصولات بينالود

علائم ممنوع:

- ۱- پرچم ايران يا هر پرچمي كه دولت آن را ممنوع كند
- ۲- علامت هلال احمر و نشان ها و مدال هاي ايراني
- ۳- كلماتي كه مرهوم است و انتساب به مقامات رسمي است
- ۴- علامات موسسات رسمي مثل آرم جمهوري اسلامي ايران با صليب سرخ
- ۵- علائم مخل به نظم عمومي يا منافي عفت

جلسه پنجم ۸۵/۸/۱

نکته: علامت تجاری در صورتی انحصار می آورد که ثبت شود و ثبت آن از طریق اظهار نامه است و اداره ثبت باید با احراز ۳ شرط ظرف ۱۵ روز قبول یا رد علامت تجاری را اعلام نماید والا قبول

شده محسوب می شود. سه شرط عبارتند از: ۱- از موارد ممنوع نباشد ۲- مربوط به دیگری نباشد
۳- شبیه به علامت ثبت شده قبلی نباشد بطوری که مصرف کنندگان عادی به اشتباه بیفتند والا ذی
النفع (کسی که از این علامت استفاده کرده) می تواند تا ۳ سال اعتراض نماید.

نکته: انتقال علائم تجارتي در صورتی معتبر است که موافق مقررات قانون به ثبت رسیده باشد که
برای تنظیم آن نیز اظهارنامه نیاز است و همچنین تغییر یا گسترش علامت تجارتي نیز توسط
اظهارنامه است.

انتقال: کارخانه ی تا الان از یک مارکی استفاده می کرده اما الان می خواهد کارش را عوض کرده
و مارکش را به یکی انتقال دهد که معمولا این انتقال مارک با دریافت هزینه های بالا به سود
شرکت یا کارخانه صورت می گیرد

تغییر یا گسترش تغییر دهد مثلا مارکش را می خواهد عوض کند و گسترش دهد مثلا اگر تا الان
فقط روی شامپوون مارکش را می زد اما از این به بعد روی صابون یا پودری که تولید می کند هم
می زند و برای موارد ذکر شده باید فرم اظهار نامه گرفته و تغییرات را ثبت کند

نکته: مجازات کسی که علامت تجاری را جعل یا با علم به جعل استفاده نماید تا ۷۴ ضربه شلاق و
بعضا تا ۳ سال حبس در پی دارد ضمن اینکه باید خسارات وارده به دیگری را نیز جبران نماید (حداکثر مجازات است)

تعریف شرکت:

تعاریفی از سوی ۱- قانون مدنی ۲- قانون تجارت ۳- شرکتهای تجاری ارائه شده است اما تعریف

شرت از نظر قانون مدنی عبارتند از: ماده ۵۷۱ قانون مدنی می گوید شرکت عبارتست از اجتماع

حقوق مالکین متعدد در شی واحد به نحو اشاعه

مالکین متعدد: شرکت وقتی است که مالکین متعدد باشند و حداقل ۲ نفر

در شی واحد: یعنی دو نفر یا مالکین در یک چیز واحد مالک باشند

اشاعه: مشاع. اگر طرفین با هم زمینی خریدند به نحو مشاع باشد اما گاهی آن را تقسیم می کنند که

به آن افراز گویند و این نقطه مقابل مشاع است و اگر افراز صورت نگیرد و مشاع باشد طرفین در

تمام اجزای آن به نسبت با هم شریک هستند و اما شرکت در یک تقسیم بندی دیگر

شرکت:

اختیاری: طرفین با هم قرارداد می گذارند که یک زمین را با هم بخرند

اضطراری: اختیاری نیست یعنی طرفین اراده به این که با هم شریک بشوند نداشته اند و به صورت

اضطراری شریک شده اند مثلاً در صورت فوت یا سرقت بوجود می آید.

مثال: اگر پدر خانواده فوت کرد تمام اموال به همه وراث می رسد و هیچ یک از وارثین حق فروش

ندارد تا اینکه تقسیم کنند. به عبارتی قبل از تقسیم همه شریکند اما شریکی که به اراده خودشان

نبوده است.

نکته: عقد شرکت : قراردادی که به موجب آن شرکاء متعددی ، متعهد می شوند چیزی را در شرکت گذارد و منافع آن را تقسیم نمایند به عبارتی قصد انتفاع وجود دارد ولو اینکه گاهی ممکن است به ضرر بانجامد.

ایقاع: عملی که رضایت یک طرف کافی است مانند طلاق

عقد: توافقی که توافق حداقل ۲ نفر در آن است و می تواند متنوع باشد مثلا اگر در غالب خرید و فروش باشد

عقد بیع : اگر در غالب اجاره باشد عقد اجاره و اگر ازدواج باشد عقد نکاح

شرکت: تجاری - مدنی

تعریف شرکت تجاری از نظر قانون تجارت

شرکتی است که برای امور تجاری تشکیل شده است و دارای شخصیت حقوقی است که وابسته به شرکاء نمی باشد. همچنین شرکت تجاری باید از دفاتر تجارتي استفاده نماید و در صورت عدم قدرت به پرداخت دیون حکم به ورشکستگی آن صادر می شود(به خلاف شرکت مدنی که حکم به اعسار داده می شود)

از آنجا که این شرکت جزء شرکتهای اختیاری است لذا شرایط صحت مانند قصد (از روی اراده

باشد) ، رضا اهلیت (صغیر ، جنون) و معین بودن موضوع شرکت به علاوه مشروعیت (از نظر

شرعی) جهت در آن لازم می باشد. همچنین این شرکت دارای ارکان مدیریتی از قبیل هیئت

مدیره، مدیر عامل می باشد و بدهکاری ها و طلبکاری های شرکت به شرکاء ارتباط ندارد.

شخصیت:

حقیقی: افراد و انسان ها و اعضای جامعه وجود حقیقی دارند که می توانند دارای حقوق و تکالیف

باشند

حقوقی: جدای از افراد هستند و یک هیئت که دارای یک شخصیت حقوقی و جدای از شرکایش

است مثلا دانشگاه آزاد دارای یک شخصیت حقوقی است که جدای از افرادی است که در آن

مشغول فعالیت هستند یعنی نام دانشگاه آزاد خودش یک شخصیت حقوقی است

شخصیت حقوقی می تواند تمام شرایطی را که یک فرد حقیقی دارد دارا باشد از قبیل اهلیت و

صلاحیت داشتن یا دارا شدن حقوق و اختیارات و قبول تعهدات و وظایف بعلاوه اجرا و اعمال آنها

از طرف اشخاص حقوقی به عبارتی شخصیت حقوقی تمام امور مربوط به شخصیت حقیقی را دارا

می باشد جز آنهایی که استناد است مثل حق ابرت یا بلدت یا مثلا اگر مدیر دانشگاه آزاد تخلفی

کند نمی گویند خوب دانشگاه آزاد را مثلا ببرید حبس بلکه می گویند مدیر دانشگاه را حبس ببرید

یا مثلا اگر دانشگاه آزاد بدهی دارد نمی آیند بدهی را از آقای مدیر بگیرند.

نکته: دفاتر تجارتي مربوط به شرکت های تجاری هستند نه مدنی

نقطه اشتراک اعسار و ورشکستگی: در هر دو بدهی بیشتر از طلبکاری است

نقطه افتراق: اعسار مربوط به شرکت مدنی است و ورشکستگی مربوط به شرکت تجاری

بدهکاری مدنی یعنی شریک مدنی نتواند دیون خود را بپردازد

اعسار (در مورد شرکت های مدنی است) و ورشکستگی در مورد شرکت های تجاری

قوانین راجع به ورشکستگی سخت تر از قوانین راجع به اعسار است و در اعسار نسبت به بدهکار تخفیف قائل می شوند مثلاً در اعسار اگر طلبکار برود و از بدهکار شکایت کند به طلبکار می گویند آیا بدهکار اموالی دارد یا نه اگر ندارد برو وقتی مالی داشت بیا به ما معرفی کن تا اموال را از آن بگیریم.

قبلاً گفتیم شرکت یا اختیاری یا اضطراری است، شرکت تجاری از نوع شرکتهای اختیاری است و

باید شرایط صحت آن مشخص شود که قانون مدنی مشخص می کند اما شرکت اضطراری لازم

نیست که شرایط صحت را داشته باشد و شرایط صحت ۱- قصد (نائم یا خواب نباشد) ۲-

رضاً (اکراه نداشته باشد) ۳- اهلیت (صغیر و مجنون نباشد) ۴- معین بودن (کار شرکت مشخص

باشد) ۵- مشروع بودن (در کار مواد مخدر و مشروبات نباشد)

جلسه ششم: ۸۵/۸/۸

شخص حقیقی ۱- اقامتگاه محلی که فرد در آن زندگی می کند. حقیقی

۲- تابعیت: تعلق فرد به یک حاکمیت خاص را تابعیت فرد می گویند و ملاک های

آن - خون - خاک

شخص حقوقی - ۱- اقامتگاه (در قبل توضیح داده شد)

۲- تابعیت- تابعیت شخصی حقیقی با تابعیت شخص حقوقی فرق کند.

مثلا سه شخص حقیقی می خواهند با هم شریک شوند که شخص اول فرانسوی دومی انگلیسی و سومی

پاکستانی است که تابعیت های متفاوتی دارند اما تابعیت شخص حقوقی و شرکت فوق در آن جایی

است که شرکت در آن قرار دارد (در مورد شرکت ها تابعیت جایی است که شرکت در آن قرار دارد)

تابعیت شخص حقوقی شخص حقوقی تابعیت مملکتی را دارد که اقامتگاه آن در آن جا واقع شده است و

لوا اینکه با تابعیت شرکاء (انگلیسی و فرانسوی و پاکستانی) متفاوت باشد

شرکت های تجاری

طبقه بندی شرکتهای تجاری قانون شرکت های تجاری را بر ۷ قسم کرده که این فت مورد در این ۳

مورد ذیل گنجانده شده

۱- شرکت های سرمایه: هدف اصلی این شرکت ها سرمایه است مثل (سهامی)

۲- شرکت های شخصی: محوریت این شرکت ها شخص است و هر شخص نمی پذیرند باید مورد

اعتماد باشد (تضامنی)

۳- شرکت های مختلط: در این نوع شرکت ها هم شخص مهم است هم سرمایه

اولین شرکت مورد بحث از شرکتهای سهامی است (توضیح ماده ۱ و ماده ۲ و باضافه توضیحات

لازمه)

شرکت سهامی: شرکتی است که با رعایت مقررات قانون مدنی راجع به شرایط تحت قراردادها و قواعد

اختصاصی ق ت و ثبت شرکت ها و توافق بین شرکاء برای امور اجتماعی اعم از تجاری یا غیر تجاری

تشکیل و سرمایه آنها به سهام متساوی القسمة تقسیم شده است و مسئولیت صاحبان سهام، محدود به

مبلغ اسمی سهام و سود حاصله آنها می باشد. (برای مطالعه ماده او ۲ به ص ۲۳ قانون تجارت مراجعه

شود)

یک شرکت سهامی می بایستی:

۱- رعایت مقررات ق.م (قصد، رضا، معین، مشروعیت)

۲- قواعد اختصاصی ق ت و ثبت شرکتهای

۳- توافق بین شرکاء مثلاً شرکاء توافق می کنند با سرمایه مشخص و تقسیم سود به این نحو یک

شرکت راه اندازی کنند

۴- برای امور انتفاعی: هدف شرکتهای سهامی سود است حالا چه تجاری باشد یا غیر تجاری

(زمین)، معاملاً غیر منقول به هیچ وجه تجاری محسوب نمی شوند مگر برای شرکت های

سهامی مثلاً اگر شرکت متقاضی کارش را خرید و فروش زمین قرار دهد این جزء شرکت تجارتي نمی باشد.

ماده ۱. شرکا در قبال شرکت مسئولیت دارند. در شرکتهای سهامی مسئولیت فرد به مقدار سهم آن

+ سود آن در برابر بدهی ها می باشد.

فرق شرکت های سهامی خاص و عام

شرکتهای سهامی

عام

۱- در تامین سرمایه (ماده ۴): سرمایه از طریق مشارکت مردم تامین می شود و

به صورت پذیره نویسی و اعلامیه به مردم اعلام

می شود

۲- حداقل شرکاء (ماده ۱۰۷): حداقل ۵ نفر باید باشند و از این کمتر نباشد

۳- میزان سرمایه (ماده ۵): حداقل ۵ میلیون ریال (۵۰۰۰ هزار تومان)

۴- حق ارائه سهام در بورس: می تواند سهام را در بورس ارائه بدهد

خاص:

۱- در تامین سرمایه (ماده ۴): سرمایه بر عهده شرکا می باشد

۲- حداقل شرکاء (ماده ۳): حداقل ۳ نفر باید باشند و از این کمتر نباشد

۳- میزان سرمایه (ماده ۵): حداقل ۱ میلیون ریال (۱۰۰ هزار تومان)

۴- حق ارائه سهام در بورس: نمی تواند سهام را در بورس ارائه بدهد مگر با

پذیرفتن مقررات

اقامتگاه شخص حقوقی

هر دوی شخصیت ها یعنی هم حقیقی و هم حقوقی باید اقامتگاه داشته باشند در بیان محل اقامتگاه برای

شخص حقوقی قانون تجارت و قانون مدتی اختلاف و تعارض دارند.

شخصیت:

- حقیقی: اقامتگاه شخص حقیقی محل زندگی اوست.

- حقوقی: ماده ۵۹۰ قانون تجارت: اقامتگاه شخص حقوقی محلی است

که

اداره شخص حقوقی در آن جاست یعنی دفتر مرکزی

ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی: محلی که مرکز عملیات

آنها خواهد بود.

گاهی اوقات دفتر مرکزی و مرکز عملیات در یک محل است و اما حالت دیگر این است که محل دفتر

مرکزی و مرکز عملیات در دو مکان قرار دارد مثلا دفتر اداری در نیشابور قرار دارد ولی مرکز عملیات

در جاده مشهد است و مسئله این جاست که همه ی ارجاعات و همه مراسلات و مکاتبات به اقامتگاه

ارسال می شود حال در اینجا کدام محل اقامتگاه است،

راه حل: از نظر حقوقی هر گاه بین دو ماده تعارضی باشد الویت باماده متأخر است و در این جا الویت با

ق.م می شود اما بعضی می گویند این دو ماده اصلاً تعارض ندارند و منظور از مرکز عملیات همان

اداره است

اقامتگاه شخص حقوقی:

همان طور که شخصی حقیقی دارای اقامتگاه است شخص حقوقی نیز اقامتگاه دارد که در ماده ۵۹۰ ق

ت و ۱۰۰۲ ق.م ذکر شده است. و از آنجا که بعضاً محل اداره و مرکز عملیات با یکدیگر فرق دارد لذا

حقوق دانان در تشخیص اقامتگاه شخص حقوقی نظارت متفاوتی دارند.

عده ای قائل بین این هستن که ماده ۲ ماده تعارض دارد و باید قانون ماخر (مدنی) اعمال شود در مقابل

عده ای دیگر با توجیهی که از کلمه مرکز عملیات دارند قائل هستند که بین این ۲ ماده تعارض نیست

چون مراد از این عبارت همان محل اداره است.

جلسه هفتم ۸۵/۸/۱۴

ماده ۱۷- به مجمع عمومی موسس با رعایت مقررات این قانون تشکیل می شود و ... به (متن کتاب

مراجعه شود)

حد نصاب مجمع عمومی موسس: تشکیل و تصمیم

تشکیل: به کسانی که ۱/۲ سرمایه را تعهد کردند (امکان دارد ۵۰ نفر حاضر شوند و ۱/۲ سرمایه را

تشکیل دهند و امکان دارد ۱۰۰ نفر هم جمع شوند و ۱/۲ سرمایه را تشکیل ندهند)

ماده (۷۵) در مجمع عمومی موسس حضور عده ای از پذیره نویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را

تعهد نموده ضروری است (به صفحه ۴۹ صفحه شود.)

(اگر با حد نصاب ۱/۲ در مرحله اول تشکیل نشده فقره تا ۲ بار دیگر دعوت می شوند و باید ۲۰ روز

بین آگاهی دعوت و عقد جلسه فاصله باشد و آگاهی دعوت باید با قید دستور جلسه قبل و نتیجه آن در

روزنامه کثیر التشار همراه باشد و جلسه با حضور ۱/۳ صاحبان سرمایه قانونی است.)

تصمیم: با اکثریت ۲/۳ آراء حاضرین (۲/۳ حاضرین)

- هر گونه دعوت و اطلاعیه برای صاحبان سهام تا تشکیل مجمع عمومی سالانه باید در ۲ روزنامه

کثیرالتشار منتشر شود یکی به وسیله مجمع عمومی موسس و دیگری از طرف وزارت اطلاعات و

جهانگردی تعیین می شود (آیا این دعوت در روزنامه دعوت در روزنامه کثیرالتشار از سوی مجمع

عمومی موسس از وظایف آنهاست)

مجمع عمومی مؤسس و رسیدگی به امور سگانه:

۱- بررسی احراز پذیره نویسی و تعهدات لازم

۲- تصویب اساسنامه (به منزله قانون اساسی شرکت است) عده ی می گویند نمی تواند اصلاح کند به

استناد ماده ۸۳ (هر گونه تغییر در موارد اساسنامه یا سرمایه شرکت یا انحلال شرکت منحصرأ دست

مجمع عمومی فوق العاده است) عده ی می گویند می تواند با استناد به ماده ۷۴ بند ۲ (وظایف مجمع

عمومی ۱- تصویب اساس نامه و اصلاح آن) در نتیجه باید گفت با توجه به ماده ۸۳ مجمع عمومی

موسس حق اصلاح ندارد مگر با موافقت کلیه شرکاء .

۳- انتخاب اولین مدیران و بازرسان شرکت و قبول صحت توسط آنها که به معنی قبول تمام وظایف و

دانستن وظایفشان در قانون است از چند زمانی شرکت سهامی عام تشکیل شده محسوب می شود؟ (ماده

۱۷ از این تاریخ شرکت تشکیل شود محسوب می شود.)

برای ثبت کردن چه اموری نیاز است :

ماده ۱۸) اساسنامه که به تصویب مجمع عمومی موسس.... به کتاب مراجعه شود.

مدارک لازم عبارتند از اساسنامه که به تصویب مجمع عمومی موسس رسیده با اضافه صورت جلسه

مجمع با اضافه برگه قبول سمت مدیران ، را به محل ثبت شرکت ها تسلیم

ماده ۱۹) در صورتی که شرکت تا ۶ ماه از تاریخ به کتاب مراجعه شود

تا تاریخ ثبت احدی حق دست زدن را در سرمایه را ندارد تا ۶ ماه قرار بود شرکت به ثبت برسد اما به

ثبت نرسید افراد ذینفع با مراجعه به مرجع ثبت شرکت ها درخواست انحلال شرکت را اعلام می کنند و

از سوی مرجع ثبت شرکت هایک گواهی به بانک می دهند و بعد از مردم می خواهند که هر پولی که

ریخته اند بیاورد با دادن رسید بگیری و هر گونه هزینه پرداخت شده به عهده موسس خواهد بود مثل

آگهی ، پذیره نویسی کردن، و...

از ماده ۶ الی ۱۹ ق ت طریقه ثبت شرکتهای سهامی عام بود که با هم مروری می کنیم

۱- ارائه مدارک لازم به مرجع ثبت شرکت ها: موسس باید اقلأً ۲۰ درصد سرمایه شرکت را خود تعهد

کرده و حداقل ۳۵ درصد مبلغ تعهد شده را در بانک به حساب به نام شرکت در شرف تاسیس سپرده

اگر قسمتی از تعهد را غیر نقدی باشد مدارک مالکیت در همان بانکی که پرداخت نقدی شده گواهی

را به ضمیمه اظهار نامه + اساسنامه شرکت + اعلامیه پذیرنویسی که به امضاء، کلیه موسس رسیده باشد به

مرجع ثبت شرکتها تسلیم می کند در تهران به اداره ثبت شرکتها، در شهرستانها به دایره ثبت، درجایی

که دایره ثبت وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و مدارک و رسید دریافت می کند.

۲- بررسی مدارک و اجازه پذیره نویسی: مرجع ثبت شرکتها پس از مطالعه اظهارنامه + ضمائم و تطبیق

مندرجات آن با قانون اجاره انتشار اعلامیه پذیره نویسی را صادر می کند.

۳- انتشار اعلامیه پذیره نویسی و شروع پذیره نویسی: اعلامیه پذیره نویسی باید توسط موسس در جراید

آگاهی گردد و در بانکی که تعهد سهام شده در معرفی دید علاقمندان قرار داده شود ظرف مهلت

معین افراد با مراجعه به بانک ورقه بعهد سهام را امضاء و مبلغ را که در هنگام پذیره نویسی گرفته می

شود، پرداخت و رسید دریافت کنند و امضاء ورقه تعهد سهام به خودی خود لازمه قبول اساسنامه

شرکت و تعهدات مجامع عمومی صاحبان سهام است (ماده ۱۵)

۴- بررسی به تعهدات پذیره نویسان و دعوت، مجمع عمومی موسس پس از گذشت مهلت پذیره

نویسی یا در صورتی که مدت تمدید شده انقضای شود موسس حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیره

نویسان رسیدگی و این که تمام سرمایه شرکت صحیحاً تعهد شده و اقلأً ۳۵٪ آن ها پرداخت شده تعداد

سهام را تعیین و اعلام و مجمع عمومی موسسین را دعوت می کنند.

www.kandoo.cn.com

حداقل $\frac{1}{2}$ سرمایه

تشکیل

حداقل $\frac{1}{3}$ سرمایه

حد نصاب

www.kandoo.cn.com

تصمیم اکثریت $\frac{2}{3}$ آراء حاضرین

اولویت بندی می

بیشتر از مبلغ سرمایه تعهد شده

کنند

تقلیل میزان سهام

پس از بررسی اینکه تمام سرمایه

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

شرکت صحیحا تعهد گردید

کمتر از مبلغ سرمایه تعهد شده - با جلب رضایت

شرکاء

سرمایه تقلیل می یابد

۵- تشکیل مجمع عمومی موسس و رسیدگی به امور سگانه:

۱- احراز پذیره نویسی و تعهدات لازم

۲- تصویب اساس نامه

۳- انتخاب اولین مدیران و بازرسان و قبول سمت

تا قسمت ۵ شرکت سهامی تشکیل شده اما به ثبت نرسیده.

۶- بردن مدارک لازم به مرجع ثبت شرکتها اساسنامه که تصویب مجمع عمومی موسس + صورت

جلسه مجمع + برگه قبول سمت مدیران

ماده (۲۰) برای تاسیس و ثبت شرکتها سهامی خاص به کتاب مراجعه شود.

طریقه ثبت شرکت سهامی خاص:

۱- اساس نامه که به تایید سهامداران (خود اعضاء) رسیده باشد

۲- اظهارنامه مشعر (که مبالغ تعهد کردند و در مجمع ثبت شرکتها پر می شود) که تعهدات را در آن

نوشته شده است تمام مبلغ تعهد شده و مقدار تعهد شرکاء نیز مشخص و مقداری که تعهد شده این

مقدار پرداخت و فیش بانکیش را گرفته

نقدی

سرمایه

غیر نقدی (قیمت گذاری و تحویل داده شود).

۳- انتخاب اولین مدیران و بازرسان

۴- قبول سمت که تمام مسئولیت ها را می داند و امضا کردند)

۵- ذکر نام روزنامه کثیرالانتشار به مرجع ثبت شرکتها برده و ثبت می شود و شخصیت حقوقی تشکیل

می شود

تبصره: قانون هایی که برای تشکیل و ثبت شرکت سهامی عام مقرر است در مورد شرکت سهامی

خاص لازم نیست و مدارک ذکر شده کافی است.

نکته: وجوهی که در بانک ریخته می شود تا قبل از ثبت شرکاء حق دسترسی به آن را ندارد.

ماده (۲۳) موسسین شرکت.... به کتاب مراجعه شود موسسین در قبال تاسیس مسئولیت تضامنی دارند

یعنی چه؟

سهامداران در شرکت سهامی به میزان سهمی که در آن دارند سود و زیان متعلق به آنها می باشد و لی مسئولیت تضامنی بسیار سنگین تر است یعنی تک تک افراد در مقابل خسارات و مبالغ مسئول هستند.

تبدیل شرکت سهامی خاص به تمام

۱- تغییر اساس نامه شرکت خاص به اساسنامه شرکت سهامی عام

پذیره نویسی

۲- افزایش سرمایه (حداقل ۵ میلیون)

خود سهامداران

۳- تصویب مجمع عمومی فوق العاده یعنی شرکاء تصویب کننده که شرکت تبدیل به شرکت سهامی

عام شود

۴- حداقل ۲ سال از ثبت شرکت گذشته و ۲ ترانزنامه آن به تصویب رسیده باشد.

نمونه سوالات امتحانی:

۱- تاجر چه کسی است؟ و بر طبق ماده ۲ قانون تجارت توضیح دهید

۲- چه معاملاتی بر اعتبار تاجر بودن طرفین تجاری محسوب میشود شرایط ان را ذکر کنید

۳- الزامات تاجر را نام برده و مختصراً توضیح دهید

۴- تخلفات تاجر را نام برده و مختصراً توضیح دهید (ماده ۳)

۵- شرایط سندیت دفاتر تجاری را نام ببرید

۶- ابراز دفاتر در دادگاه یعنی چه؟

۷- نحوه ثبت اسم تاجر در دفتر تاری به چه صورت است؟

۸- کسبه جزء را تعریف نموده و وظیفه آن ها را در مورد دفاتر تجاری ذکر کنید

۹- نام تجارتی را تعریف نماید ماده ۷۶ به بعد

۱۰- علامت تجاری را تعریف نموده و ذکر نماید چه علائمی از علامتهای ممنوعه می

باشد.

۱۱- علامت تجاری در چه صورتی انحصار می آورد منظور از تغییر گسترش و انتقال

علامت تجاری چیست؟

۱۲- مجازات کسانی که مرتکب جعل یا سوء استفاده از علامت تجاری شوند چیست؟

۱۳- تعریف شرکت را به استثناء ماده ۵۷۱ قانون مدنی ذکر نموده انواع شرکت را مرقوم

نماید (افراد اختیاری یا اضطراری)

۱۴- عقد شرکت را تعریف نماید .

جلسه هشتم ۸۵/۸/۱۶

ماده ۲۴ سهام قسمتی از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحبان

آن در شرکت سهامی می باشد (یعنی اگر یک نفر ۳ هزار تومان سهم دارد مشارکتش و تعهداتش و

منافعش به همان اندازه ی ۳ هزار تومان است) (صفحه ۳۳ کتاب مراجعه کنید) - ورقه سهم: سند قابل

معامله است که نماینده تعدادی سهم است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد.

اقسام سهام:

- **سهام با نام:** اسم فرد در ورقه سهم ضبط می شود به خاطر اهمیت شناخت شرکاء بعضاً بررسی

مسائل سیاسی

- **سهام بی نام:** یک ورقه و یک سند است در حکم حامل است که مشخص کننده سهامدار نمی

باشد لذا دست هر کس باشد مالک آن می باشد و این به خاطر راحتی شرکاء می باشد.

- **سهام ممتاز:** برای تشویق افراد به خرید ورقه سهم اقدام به انتشار سهام ممتاز می کنند و معمولاً

زمانی است که شرکت نیاز به پول دارد مثلاً می گویند چه شرکت سود بکند یا نکند ما به شما سود می

دهیم یا مثلاً می گویند کسی که یکی از این سهام را داشته باشد ۲ حق رای به آن می دهیم .

سهامی که در اختیار موسس قرار میگیرد: سهامی است که برای ابتکار و کوشش موسس به آنها

داده می شود.

نکته: دارنده سهم نمی تواند به نسبت سهم ، از اموال شرکت مالک شود بلکه به نسبت سهم خود از

شرکت دارا می باشد. (در صفحه بعد ذکر کرده اید.)

ماده (۲۷) تا زمانی که اوراق سهام صادر نشده است شرکت باید صاحبان سهام گواهینامه موقت سهم

بدهد... به کتاب مراجعه شود .

گواهینامه موقت: که معرف تعداد و نوع سهام و مبلغ پرداخت شده آن باشد این گواهی نامه در حکم

سهم است ولی در هر حال ظرف مدت یکسال پس از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهم باید ورقه سهم

صادر و گواهینامه موقت سهم باطل گردد.

ماده (۲۸) تا وقتی شرکت به ثبت نرسیده صدور ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم ممنوع است

شرایط لازم برای انتشار ورقه سهم:

۱- شرکت به ثبت رسیده باشد (ماده ۲۸). که بعد از آن برگه موقت سهم را گرفته و اوراق سهام را می دهند.

۲- تمام مبلغ اسمی سهم پرداخت شده باشد (برگه ی تعهد سهم) که همان گواهی است) را پر کرده و

حداقل ۳۵٪ را پرداخت کرده باشند. (ماده ۲۷)

ماده ۲۹) در شرکت های سهامی عام، مبلغ اسمی هر سهم نباید از ده هزار ریال بیشتر باشد ولی در خاص محدودیت ندارد.

ماده ۳۰) مادام که تمامی مبلغ اسمی هر سهم پرداخت نشده صدور ورقه سهم بی نام یا گواهی نامه موقت ... به کتاب مراجعه کنید.

در فاصله برگه تعهد سهم تا اوراق سهام صادر شود شوک به صاحبان سهام گواهی نامه موقت با نام می

دهد. تا اگر خواست گواهی نامه را انتقال دهد یا آن فرد به شرکت مراجعه کرده و آن فرد با قبول

تعهدات بر پرداخت تمام مبلغ باقی مانده و با گفتن نام و آدرسش این انتقال صورت پذیرد و تا زمانی

که مبلغ اسمی هر سهم پرداخت نشود صدور ورقه سهم بی نام یا گواهی نامه موقت بی نام ممنوع است.

علت آن این است که شرکت بتواند متعهدین خود را بشناسد

ماده ۳۴) کسی که تعهد اکتیاع سهمی ... به کتاب مراجعه شود.

کسی که برگه ی تعهد را امضاء می کند تمام مبلغ تعهد شده را باید بپردازد و قبل از پرداختن تمام مبلغ

اگر فروخته شد فروشنده باید تمام مبلغ را بپردازد.

نکته: دارندگان سهام نمی توانند به نسبت سهم از اموال شرکت مالک شوند بلکه به نسبت سهم خود از

شرکت دارای حق می باشند مثلاً

ماده (۳۵) در هر موقع که شرکت بخواهد تمام یا قسمتی از مبلغ ... به کتاب مراجعه کنید.

هر وقت که شرکت بخواهد آن قسمتی از مبلغ پرداخت نشده سهام را مطالبه کند باید ابتدا با آگهی

کردن در روزنامه کثیرالانتشاری به صاحبان فعلی سهام اطلاع دهد و مهلتی را برای پرداخت مبلغ قرار

دهد پس از انقضای مهلت هر مبلغی که پرداخت نشده باشد با اضافه ی دیرکرد آن که برابر با نرخ

رسمی بهره که از طرف بانک مرکزی اعلام می شود (مثلاً هر بدهکاری در سطح کشور اگر بدهیش را

یک سال به تاخیر بیندازد باید این مقدار بپردازد) +۴ درصد به آن فرد اخطار داده می شود و پس از

یک ماه اگر مبلغ را پرداخت نکرد شرکت سهام را در بورس در صورتی که در بورس اوراق بهادار

پذیرفته باشد (سهامی تمام قابل فروش در بورس است) و گرنه از طریق مزایده به فروش می رساند و از

آن انواع هزینه های کم شده برداشت می شود و اگر مبلغی باقی ماند مازاد را به صاحبش پرداخت می

کنند.

ماده (۳۷) دارندگان سهام مذکور در ماده ۳۵ حق حضور و ... به کتاب مراجعه شود.

کسانی که قسمتی از مبلغ تعهد شده خود را پرداخت نکرده اند :

حق حضور و رای در مجامع عمومی را ندارند

در حد نصاب تشکیل مجامع عمومی تعداد این گونه سهام ها از کل تعداد سهام شرکت کسر می شود

مثلاً اگر سرمایه شرکت ۱۰ میلیارد باشد کسانی که تخلف می کنند ۱ میلیارد باشند الباقی ۹ میلیارد

سهامدار است (مثلاً حد نصاب تشکیل مجمع عمومی مؤسس حداقل $\frac{1}{2}$ کسانی که سرمایه را تعهد

کردن است که نمی شود نصف همین ۹ میلیارد نفر)

حق دریافت سود قابل تقسیم ندارند

حق رجحان (یعنی حق اولویت) در خرید سهام جدید را ندارند

حق دریافت اندوخته قابل تقسیم را هم ندارند

ماده (۴۰) انتقال سهام با نام... به کتاب مراجعه کنید.

اگر بخواهند سهام با نام را منتقل کنند باید از طریق شرکت به ثبت برسد و آن شخص انتقال دهنده یا

نماینده اش باید انتقال مزبور را امضاء کند و همچنین انتقال گیرنده یا نماینده اش باید تعهد کند که

مابقیه پولی که مانده است را پرداخت و آدرسش را هم بنویسید و اگر خواست محل سکونتش را هم

تغییر دهد باید به اطلاع دهد و هر نقل و انتقالی خلاف این قانون باشد از نظر شرکت و اشخاص ثالث

فاقد اعتبار است.

ماده (۴۳) تبدیل سهام با نام به بی نام و بالعکس به موجب

مقررات اساس نامه

بنابه تصمیم مجمع عمومی فوق العاده شرکت می باشد.

(مثال: مثلاً در ۸۵/۵/۵ و ۸۵/۵/۱۰ و ۸۵/۵/۱۵ آگهی می شود و مهلت از ۸۵/۵/۵ باید حداقل ۶ ماه باشد

یعنی ۸۵/۱۱/۵)

ماده (۴۴) در مورد تبدیل سهام بی نام به سهام با نام... به کتاب مراجعه شود

باید آگهی در ۳ نوبت و هر یک به فاصله ۵ روز و مهلتی که کمتر از ۶ ماه از تاریخ اولین آگهی نباشد در روزنامه کثیرالانتشاری منتشر و در آن بیان شود که در صورت انقضای مهلت مزبور کلیه سهام بی نام شرکت باطل تلقی می شود تا صاحبان سهام برای تبدیل به شرکت مراجعه کنند.

ماده (۴۵) سهام بی نام که ظرف مهلت مذکور به ص ۲۹ کتاب مراجعه کنید.

اگر مهلت مراجعه به شرکت منقضی شود و صاحبان سهام مراجعه نکنند سهام بی نام باطل میشود و برابر

تعداد آن سهام با نام صادر و توسط شرکت در بورس (اگر اوراق بهادار پذیرفته شده در بورس باشند)

در غیر این صورت از طریق حراج فروخته می شود و آگهی حراج حداکثر تا ۱ ماه پس از مهلت

مذکور مقتضی شده فقط یک بار در روزنامه ی کثیرالانتشار منتشر می شود و فاصله بین آگهی تا تاریخ

حراج حداکثر یک ماه و حداقل ۱۰ روز خواهد بود و اگر در این حراج سهام به طور کامل انجام نشود

حراج تا ۲ نوبت دیگر طبق شرایط گفته شده تجدید می شود.

ماده (۴۶) از حاصل فروش سهامی..... به کتاب مراجعه شود

ابتدا تمام هزینه ها برداشت شده و مابقی تا ۱۰ سال در بانک باقی می ماند پس از ۱۰ سال و عدم مراجعه

در حکم مال بدون صاحب می باشد.

نکته: پس از باطل شدن سهام بی نام این سهام تبدیل به سهام با نام شده و سهام کسی که مراجعه نکرده

از طریق بورس یا مزایده به فروش می رسد و ابتدا تمام هزینه ها برداشت شده و مابقی تا ۱۰ سال در

بانک باقی می ماند پس از ۱۰ سال و عدم مراجعه در حکم مال بدون صاحب می باشد که با اجازه

دادستان به خزانه دولت می رود.

سوالات

۱- شرکت تجاری را تعریف کرده مختصراً توضیح دهید

۲- شخصیت بر چند قسم است هر مورد را تعریف کنید.

۳- اقامتگاه شخص حقیقی و حقوقی چه مکانی است (اختلاف قانون م و ت را با حل آنها بیان کنید)

۴- تابعیت را تعریف کرده و ذکر کنید تابعیت شخص حقیقی و حقوقی به چه معناست

۵- طبقه بندی شرکت های تجاری را ذکر نمایید

۶- شرکت سهامی را تعریف کرده و بنویسید بر چند نوع می باشد

۷- فرق شرکت سهامی عام و خاص در چیست؟

جلسه نهم: ۸۵/۸/۲۲

ماده (۴۷) برای تبدیل سهام با نام به سهام بی نام ... به متن کتاب در صفحه ۴۰ مراجعه کنید.

تشریفاتش کمتر است چون تمام مشخصات را دارند و فقط یک بار در روزنامه کصیرالانتشار آگهی می

شود. که ظرف مهلتی که نباید کمتر از ۲ ماه باشد برای تبدیل سهام خود تام مراجعه کرده اگر نیامدند به

تعداد آنها سهام بی نام صادر می شود و در مرکز شرکت نگهداری شده تا آنها مراجعه و سهام با نامشان

باطل و سهام بی نام به ایشان داده شود.

ماده (۴۸) پس از تبدیل به متن کتاب مراجعه کنید

در نوع تبدیل :

بانام بی نام ==> هر دو باید به اطلاع موم و مرجع ثبت شرکتها برسد

بی نام به با نام

پس از تبدیل سهام چه با نام به بی نام یا برعکس شرکت باید مرجع ثبت شرکتها را از این کار مطلع

نماید و مراتب را جهت اطلاع عموم آگهی نماید

اوراق قرضه: شرکت از دو راه استقراض می کند:

الف) از طریق معمولی (معمولا از اشخاص یا بانکها یک مبلغی را قرض می گیرند)

ب) از طریق انتشار اوراق قرضه که مخصوص شرکت سهامی عام است.

ماده (۵۱) شرکت سهامی عام می تواند تحت شرایط مندرج در این قانون اوراق قرضه منتشر کند.

ماده (۵۲) ورقه قرضه ورقه به متن کتاب مراجعه کنید

۱- ورقه قرضه ورقه ای است که قابل معامله است و

۲- مصرف مبلغی وام + بهره معین است و شرکت این بر گها را منتشر و افراد اینها را خریداری می کنند

شبهه به سهم است اما خریدار ها فقط به عنوان طلب کار شرکت به حساب می آیند و سهام دار نمی

باشند مثلاً (پذیره نویسان منتشر می کنند که سهامی عام قرار است اوراق قرضه بدهد بعد افراد به مقدار

مبلغی خرید می کنند و طلب کار شرکت می شوند و بعد در یک موعده مقرر تمام پول + سود را از

شرکت می گیرند)

۳- گاهی اوقات یک کار دیگه هم علاوه بر سود می کنند و آن این است که قابلیت تبدیل به سهام را

نیز خواهد داشت (اوراق قرضه معمولاً با نام هستند و قابلیت انتقال را دارند و به مقدار وام می باشند بهره

ی دیگری که در ماده ۵۲ عنوان شده می توان گفت که علاوه بر مثلاً ۱۴٪ سود می تواند تبدیل به سهم

هم بشود)

ماده (۵۳) دارندگان اوراق ... به متن کتاب مراجعه شود.

دارندگان ورقه قرضه فقط طلبکار هستند و سهام دار نمی باشند.

ماده (۵۴) پذیره نویسی و خرید اوراق قرضه عمل تجاری نمی باشد چرا؟ چون قانون گذار تایید کرده

است.

ماده (۵۵) انتشار اوراق قرضه ممکن نیست....ص ۱۴ ادامه شرایط انتشار اوراق قرضه:

۱- شرکت سهامی عام باشد

۲- کلیه سرمایه ثبت شده ی شرکت تائید شده باشد. به عنوان مثال شرکتی با سرمایه ۲ میلیارد تومان

وقتی می تواند اوراق قرضه منتشر کند که تمام ۲ میلیارد تومان را داده باشد تمام مبلغ ابتدایی را

تائید کرده باشد. یعنی ۳۵٪ درصد را باید داده باشد به علاوه ۶۵٪ باقیمانده

۳- ۲ سال از تاریخ ثبت شرکت گذشته باشد

۴- ۲ ترازنامه شرکت به تصویب رسیده باشد (بیان کاری شرکت می باشد که بیان کننده میزان سود

وزیان است)

نکته: حق انتشار اوراق قرضه یا در اساسنامه پیش بینی می شود یا با تصویب مجمع عمومی فوق العاده

اوراق قرضه :

اوراق قرضه عادی: دارنده این ها فقط طلبکار شرکت محسوب و در موقع مقرر باید پولشان را دریافت

کنند

اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم آنهایی که می توانند تبدیل به سهم شوند بنابه تصویب مجمع عمومی

فوق العاده (ماده ۶۱)

نکته: پس از انتشار اوراق قرضه به دلیل آنکه سرمایه شرکت افزایش می یابد لذا این افزایش سرمایه

باید به مرجع ثبت شرکت ها اعلام گردد.

ممنوعیت های شرکت پس از انتشار اوراق قرضه : ماده ۶۵ - ماده ۶۶

۱- شرکت نمی تواند انتشار اوراق قرضه جدید بدهد چون عملاً خودش را بدهکار کرده مگر تا زمانی که تمام مبلغ که گرفته شده باضافه سود آن به طلب کارها پرداخت و اگر قابل تبدیل به سهام باشد انجام داده باشد.

۲- شرکت نمی تواند سرمایه خودش را که در نتیجه زیان های وارده از طریق کم کردن منبع اسمی سهام کاهش دهد (چون که شامل سهامی که دارندگان اوراق قرضه در نتیجه و تبدیل اوراق خود دریافت می گردد و این به ضرر دارندگان اوراق قرضه است چون اگر شرکت در موعد مبلغ را نپردازد دارندگان اوراق قرضه می آیند از سهام شرکت استفاده می کنند)

۳- حق صدور سهام جدید را ندارند: به دلیل اینکه هنوز به تعهداتشان در مقابل دارندگان اوراق قره عمل نکرده اند.

۴- حق پرداخت وجه به سهام داران از قبیل جایزه را ندارند مگر پس از تضمین حق صاحبان اوراق قرضه (ابتدا بدهی را بپردازند بعد جایزه به سهامداران بدهید مگر در صورت اینکه حق صاحبان قرضه را تضمین کرده باشید)

نکته: سهامی که برای تعویض با اوراق قرضه صادر می شود قبل از تعویض قابل تامین یا توصیف نخواهد بود. برای توضیح این مطلب نیاز به مقدمه زیر است که با هم می خوانیم:

یکی از بحث هایی که در قانون آئین دادرسی وجود دارد تامین یا توصیف است فرضاً شما از شخصی طلبکار هستید و آن فرد تنها که طلبش را نمیدهد شروع به فروش اموالش نیز کرده است و شما از این موضوع مطلع شده و دادخواستی به دادگاه می برید که در قبال این مدرک بدهکار من تمام اموالش را

به دیگران واگذار می کند و از دادگاه تقاضا می کنید که اموالش را توصیف یا تامین کنند دادگاه آن

سری از اموال که غیر از اموال مستتفات دین (مثل خانه) می باشند مثل ماشینی که از آن استفاده

ضروری نم کند را تamen یا توقیف می کنند. حال اگر شرکتی بدهکار شده، طلبکاران حق ندارند سهامی

برای تعویض با اوراق قرضه منتشر نمایند چون این سهام صاحب دارد.

نکته: ضمانت اجراء مجازات کسانی که رعایت قوانین را در انتشار اوراق قرضه نمایند. مواد ۲۵ الی

۲۵۱ ق. تجارت می باشد ص ۱۰۰

ماده (۷۲) مجمع عمومی شرکت سهامی ... ص ۴۸ کتاب تعریف مجمع عمومی از اجتماع صاحبان سهام

می باشد و مقررات مربوط برای تشکیل و آراء لازم در اساسنامه معین شده است مگر در مواردی که

قانون تکلیف خاص برای آن مقرر کرده باشد

ماده (۷۳) مجامع عمومی عبارتند از:

مجمع عمومی موسس

مجمع عمومی عادی

مجمع عمومی فوق العاده

ماده (۷۴) وظایف مجمع عمومی موسس به قرار زیر است (قبل از ثبت شرکت سهامی عام فقط یک

بار تشکیل می شود با حضور موسسین و پذیره نویسان)

۱- رسیدگی به گزارش موسسین و تصویب آن و همچنین احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و

تادید مبالغ لازم (۳۵٪)

۲- تصویب طرح اساسنامه شرکت (و در صورت لزوم اصلاح آن) که گفتیم این قسمت با ماده ۸۳

تعارض دارد و راه حل نیز گفته شد

۳- انتخاب اولین مدیران و بازرسان شرکت

۴- تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که هر گونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی منتشر خواهد شد.

تبصره: یکی از کارهای پذیره نویسان این بود که مبلغ سهام ریزش بانکی بررسی اینکه آیا سرمایه

شرکت و تعهد آن پرداخت شده موسس باید ۵ روز قبل از تشکیل مجمع، تمام مدارک را بررسی و

گزارش را برای مراجعه پذیره نویسان سهام آماده کرد باشند

ماده (۷۵) قبلاً بیان شده است که حد نصاب تشکیل و تصمیم گیری مجمع عمومی موسس است.

نکته: بررسی آورده های غیر نقدی و مزایای مطرح شده برای بعضی از افراد در مجمع موسس مطرح

می شود که در این صورت خود این افراد حق رای ندارند، اگر این مطالب به تصویب رسید کار ادامه

میآید و الا جلسه برای بار دوم به فاصله کمتر از یک ماه تشکیل می گردد و اگر نهایتاً نیز تصویب نشد یا

باید تبدیب به آورده نقدی شود و در مورد مزایا (سهام ممتاز) یا باید بپذیرند که سهام ممتاز نداشته باشند

و اگر نپذیرند تعهد آن ها به سهام باطل می باشد.

آیا پذیره نویسان می توانند دارای سرمایه غیر نقدی باشد؟ معمولاً فقط موسسین می توانند آورده های

غیر نقدی داشته باشد

ماده ۸۳) هر گونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد منحصراً

در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده است

۱- مسئولیت شرکاء در شرکت سهامی تاچه میزان است؟ (سوال امتحانی)

۲- اگر در شرکت سهامی عام سرمایه کاهش یابد چه تصمیمی گرفته می شود

۳- مدارک اولیه برای تشکیل شرکت سهامی عام چه می باشد نام برده مختصراً توضیح دهید؟

(ماده ۶)

۴- پذیره نویسی را تعریف نمایید؟

۵- مراحل مختلف ثبت شرکت سهامی عام را پس از ارائه مدارک بر مرجع ثبت شرکتها توضیح

دهید (ماده ۶ تا ۱۸) (*مهم)

۶- پس از پذیره نویسی در صورتی که مبلغ کمتر یا بیشتر از آن میزان پذیره نویسی شود چه

حکمی دارد؟

۷- وظایف مجمع عمومی موسسس را طبق ماده ۱۷ ذکر نموده و بیان نماید آیا مجمع عمومی

موسس حق اصلاح اساسنامه را دارد یا ندارد؟ (ذکر اقوال مختلف - استدلال - نتیجه گیری)

۸- از چه تاریخی شرکت سهامی عام تشکیل شده حساب می شود؟

۹- از چه تاریخی شرکت سهامی عام ثبت شده حساب می شود؟

مجمع عمومی موسس:

(الف) بررسی احراز پذیره نویسس و تعهدات لازم

(ب) تصویب اساسنامه

(پ) انتخاب اولین

(ت) تعیین روزنامه کثیر الاثشار

۲- مجمع عمومی عادی: رسیدگی به امور عادی شرکت مثل تصویب ترازنامه با انتقال سود به افراد

سهامیه بندی سهام

۳- مجمع عمومی فوق العاده: برای رسیدگی به امور فوق العاده که خارج از جریان عادی شرکت است

مثل افزایش یا کاهش سرمایه

جلسه دهم ۸۵/۸/۲۹

ماده ۸۴) در مجمع عمومی فوق العاده دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رای دارند باید حاضر

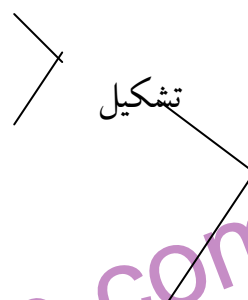
باشند...

چه کسانی حق رای ندارند؟ کسانی که به تعهداتشان عمل نکرده اند حق رای ندارند مثلاً ۲۰ هزار سهم

تعهد نشده و ۸۰ هزار سهم از ۱۰۰ و سهام تعهد شد این جا حد نصاب تشکیل را از ۸۰ هزار می گیرند

که می شود ۴۰+۱ برای مجمع عمومی فوق العاده

بار اول بیش از نصف سهام



حد نصاب

بار دوم بیش از $\frac{1}{3}$ دارندگان سهام

ماده (۸۵) تصمیم گیری $\frac{2}{3}$ حاضرین برای مطالعه ماده به ص ۵۲ مراجعه کنید.

نکته : در تمامی مجامع عمومی افراد می توانند به جای خودشان وکیل بفرستند به شرط آنکه وکیل

مدارک لازم را ارائه نماید مثلاً گاهی فرد نمی تواند خودش در یکی از مجامع حضور پیدا کند و از

طرفی سهمش در شرکت بالاست اگر در جلسه حاضر نشود به ضررش است در این جا وکیل با در

دست داشتن وکالت نامه از طرف فلان پذیره نویس وارد جلسه می شود.

وظایف مجمع عمومی فوق العاده:

۱- تمدید یا تقلیل مدت شرکت: در اساس نامه مدت شرکت سهامی عام بیان می شود مثلاً شرکت

احداث راه را در اساس نامه بیان می کنند که مدت کاری شرکت ۲ سال به طول می انجامد اما

بعداً به این نتیجه می رسند که شرکت می تواند کارش را $\frac{1}{5}$ ساله تمام کند یا کارش بیش تر

از ۲ سال طول می کشد و برای کم یا افزایش مدت شرکت باید مجمع عمومی فوق العاده آن را

تصویب کند و از سر خود شرکت نمی تواند اساسنامه را تغییر دهد

۲- تغییر نام و مرکز شرکت: مثلاً اسم شرکت لپ لپ بوده می خواهند عوض کنند بگذارند اشی

مشی یا مرکز شرکت در مشهد بوده می خواهند برود به تهران باید با تصویب $\frac{2}{3}$ اراء حاضرین

در مجمع عمومی فوق العاده برسد در غیر این صورت ممکن نمی باشد

۳- افزایش یا کاهش سرمایه مثلاً شرکتی با ۶ میلیارد سرمایه بسته شده شرکت تصمیم می گیرد که

سرمایه را افزایش یا کاهش دهند این ها باید تایید مجمع عمومی

فوق العاده رسیده شود.

۴- ایجاد سهام ممتاز: اگر به تصویب مجمع عمومی فوق العاده نرسد حق انتشار ندارند.

۵- تغییر موضوع شرکت: یعنی تغییر هدفی که شرکت به خاطر آن تشکیل شده است مثلاً هدف

شرکت ابتدا راهسازی بین مشهد تا نیشابور بوده پیشنهاد می کنند هدف شرکت را تغییر و به

ساختمان سازی پردازیم ممکن است سهامداران این را نپذیرند و بگویند سود را هسازی از

ساختمان سازی بیشتر است به همین دلیل باید به تصویب مجمع فوق العاده برسد

۶- تغییر تعداد و مدت خدمت مدیران: مثلاً چون امور شرکت با ۵ مدیر اداره نمی شود مدیر لازم

است یا تعداد خدمت مدیران باید بیشتر یا کمتر شود

۷- اجازه صدور ورقه قرضه

۸- انحلال شرکت قبل از موعد: قرار بود شرکت ۲ سال به کارش ادامه دهد اما می بیند ضرر می

دهد پس تصمیم به انحلال شرکت می گیرند.

نکته: مجمع عمومی فوق العاده می تواند تمام مواد اساسنامه را تغییر دهد به شرطی که خلاف قانون

نباشد

مثلاً تغییر تابعیت شرکت که قوانین سهمی کشور اجازه این تغییر تابعیت کشور را نمی دهد.

نکته: هیچ اکثریتی به جز اتفاق کل نمی توانند به تعهدات صاحبان سهام بیافزایند مثلاً وقتی افراد پذیره

نویسی می کردند یک مبلغی را تعهد می کردند پردازند اگر مجمع عمومی مؤسس بیاید بگوید پول

که تعهد کردند باید ۲ برابر بدهند این درست نیست بلکه باید صاحبان سهام آن را قبول کنند.

مهمترین مجمع یک شرکت سهامی عام مجمع عمومی عادی یا سالیانه (سالی یک بار تشکیل می شود)

ماده (۸۶) مجمع عمومی عادی می تواند نسبت به کلیه امور شرکت به جز آن چه در صلاحیت مجمع

عمومی مؤسس و فوق العاده است تصمیم بگیرد.

ماده (۸۷) در مجمع عادی حضور به کتاب مراجعه کنید.

حد نصاب : تشکیل و تصمیم

تشکیل ۱- بار اول : بیش از نصف سهامی که حق رای دارند

۲- بار دوم : هر تعدادی که حاضر شدن علتش هم به خاطر مهم بودن مجمع است

ماده (۸۸) **تصمیم** - اکثریت نصف + یک آراء حاضر در جلسه مثلاً اگر ۱۰۰ سهام باشد می شود ۵۱

مگر برای مدیران .